

الآن که صلوات فرستادم، یاد یک روایتی افتادم. در روایتی آمده است «وقال الرضا عليه السلام: مَنْ لَمْ يَفْذِرْ عَلَى مَا يُكْفَرُ بِهِ ذُنُوبُهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَإِنَّهَا تَهْدِي الذُّنُوبَ هَذِمًا» کسی که قادر نیست از پس گناههای تلنبار شده‌اش برباید، می‌بیند دیگر نمی‌شود هیچ کاری‌اش کرد، گاهی اوقات گناهان آنقدر روی هم تلنبار شده‌اند که دیگر هیچ کاری نمی‌شود کرد، مانند خانه‌ای که بسیار به هم ریخته است و خانم خانه باید کارگری بیاورد تا خانه را مرتب کند. گفته‌اند اگر به این وضعیت دچار شدید که دیگر از پس گناهان تلنبار شده برنیامدید، زیاد صلوات بفرستید. «فَإِنَّهَا تَهْدِي الذُّنُوبَ هَذِمًا» ذنوب را هدم می‌کند، همچنین گفته شده است که «صلوات تَغْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ التَّسْبِيحَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّكْبِيرَ» یعنی شما به جای «الله اکبر» و «سبحان الله» و به جای «لا اله الا الله»، به جای همه‌اش بگویید: «اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجه» خلاصه می‌خواهم قدر و قیمت این ذکر شریف صلوات را بدانید. در این ایام و لیالی هم صلوات زیاد بفرستید. صلوات کاری با انسان می‌کند که شاید هیچ ذکری اینقدر تأثیرگذار نباشد در انسان. اصلاً یکی از مهم‌ترین ذکرهای این عالم همین صلوات بر محمد و آل محمد است.

یک بار کسی از یکی از آقایان علما التماس دعا کرد. آن عالم گفت: من یک نذر سنگین برایت کردم. آن شخص رفت و خلاصه مشککش حل شد. آمد پیش این آقا که اگر شما نذر سنگینی کردید، من خودم کارش را انجام بدهم و این‌ها. آن آقا فرمودند که من نذر کرده بودم یک دانه صلوات برایت بفرستم و الان خودم می‌فرستم. گاهی اوقات ما تصورمان این است که فوت‌های دیگری لازم است، از آن فوت‌ها باید استفاده بکنیم و خلاصه خیلی ذکر صلوات ذکر سنگینی است، این را داشته باشید. حالا چه جوری شد من یادم افتاد؟ ذکر صلوات رزق شما بود و رزق خودم.

صفحه ۲۸۲ را بیاورید. این چیزی که من عرض کرده بودم محتوایش را، می‌خواهم یک خورده دقیق‌تر راجع به این صحبت بکنم. راجع به رجعت و قیامت و ظهور و این‌ها دیدیم از یک قاعده دارد پیروی می‌کند. قاعده‌ای که توبه پذیرفته نیست یواش یواش، تمحیص و تمیز دارد انجام می‌شود یواش یواش، دارد حجت تمام می‌شود یواش یواش، و بعثت‌ها دارد اتفاق می‌افتد. رویش‌هایی اتفاق می‌افتد یواش یواش، و کسانی به همین عالم برواهند گشت و این عالم را درست خواهند کرد و آن چنانی که باید این عالم درست بشود و به هدف خودش برسد و ما به این میوه برسیم، اتفاق می‌افتد. در زمان ظهور حضرت حجت و دعوای اوج هم معنی دارد «فَسَاءُ النَّاسِ؟ يُلْهِي عَنْهُمْ» است، محض ایمان با محض کفر به درگیری و دعوا می‌رسند. بقیه هم در باقالی‌ها و نخودی‌ها هستند! در آخر الزمان این‌جوری هستند. در رجعت هم که کاملاً در فضای رجعت همین‌جوری است. یعنی دیگر با برگشت امام حسین (ع) و همه این‌ها مطلب به آن نقطه اوج خودش و اوج درگیری می‌رسد و در همان زمان هم هست که حضرت مهدی (عج) به رحمت خدا می‌روند و از آن طرف امام حسین (ع) ایشان را دفن می‌کنند و این‌ها، یعنی بازگشت امام حسین (ع) را ما خواهیم داشت در فضای رجعت.

این که حالا سوره مبارکه اسراء با بحث اسراء از مسجد الحرام به مسجد الاقصی و جریانی که پشت سرش درست می‌رود سراغ «ذُرِّيَّةٌ مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ، إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ» ما این را مقدر کردیم برای بنی اسرائیل الکتاب «لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» شما دو بار افساد می‌کنید و دو بار علو کبر می‌کنید به عبارتی، آن موقع هر کدامش یک جوابی دارد. پس از این دو بار باید جوابش را بدهید. «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» وقتی که وعده نخستین می‌آید و عذاب نخستین برای این‌ها می‌آید «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ» یک سری جنگجویان خیلی شدیدی را ما در میدان می‌فرستیم که «فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» می‌روند در خانه‌ها می‌گردند این‌ها را می‌کشاند بیرون و خلاصه می‌رسد به آن دوره‌ای که این دوره می‌تواند هم‌زمان باشد. گفتم این‌ها را اگر طیفی نگاه کنید یک مقدار خیال راحت‌تر است، که به صورت طیفی این‌ها می‌روند. احتمالاً مثلاً با ظهور حضرت می‌روند و خلاصه یک درگیری جدی این‌ها شروع می‌کنند «وَكَانَ وَعْدًا مَقْعُولًا» کلاً وعده مفعولاً یعنی یک کاری که حتماً انجام می‌شود، ظهور حضرت می‌خورد باشد. حالا چرا این را عرض می‌کنم هم می‌بینید، «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ» چون دو بار شما این کار را کردید، دو بار هم جزا دارد. این جزای اول. جزای دوم «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ» یک

کره دیگری بر این‌ها وارد می‌شود، که «كَرَّةٌ عَلَيْهِمْ» یک کره دیگر مخصوص این است که خلاصه یک رجعتی اتفاق می‌افتد و با یک لشکرکشی مجددی باز دوباره این‌ها تهذیب می‌شوند، «وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» که حالا این باشد تا «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ»

ببینید این معنا را در روایات ما در بحار، یک روایت این‌جوری داریم ما. که دارد «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ قَالَ قَتْلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ طَعْنُ الْحَسَنِ» نیزه خوردن به امام حسن (ع) و قتل امیرالمومنین (ع). «وَوَلَّتْ غُلُوبًا كَثِيرًا قَتْلُ الْحُسَيْنِ» یعنی دو بار افساد و یکی هم یک علو کبری را به عنوان قتل الحسین (ع). ببینید این‌ها اولاً خودش یک کد دستوری خیلی مهمی است مبنی بر اینکه این اتفاقات حاصل توطئه یهود و توطئه بنی اسرائیل است، و این خودش جای یک کار جدی دارد که چی شده که جریان بنی اسرائیل وارد قتل امام حسین (ع) و قتل امیرالمومنین (ع) و طعن الحسن (ع) می‌شود، «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» وقتی وعده اول بیاید، گفتند «فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دِمِ الْحُسَيْنِ» وقتی که خون امام حسین (ع) را می‌خواهند انتقام بگیرند «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» این را ما مبعوث می‌کنیم، یک عده‌ای را برمی‌انگیزیم از عباد خودمان، از بندگان، که این‌ها صاحب بعث شدید هستند «فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» بروید در خانه‌ها را جست‌وجو کنید و این‌ها را بکشید بیرون، «قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ» قبل از خروج قائم یک عده‌ای خواهند آمد که این‌ها در یک درگیری جدی یک «عباداً لنا» این‌ها تجهیزش باید از الآن باید باشد، «عباداً لنا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ» که این‌ها قبل از خروج القائم شروع می‌کنند به ورود در بنی اسرائیل و بنی اسرائیل را به خاک و خون کشیدن. اینجا هست که «فَلَا يَدْعُونَ وَتَرَا لَآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتْلَهُ» یعنی این‌ها را می‌گیرند و می‌کشند. خیلی جدی وارد سرزمین این‌ها می‌شوند و یک درگیری جدی را شروع می‌کنند با این‌ها.

حالا اینجا از من نشنیده بگیرید. من به عزیزان عرض کردم شواهد هم دارم برایش. درگیری غزه یک درگیری دم‌دستی بود. درگیری اصلی در کرانه باختری اخیراً اتفاق خواهد افتاد. از این به بعد هم شما در سال‌های اخیر اگر بحث کرانه باختری را اسمش را شنیدید و ارض مقدس را، چون دعوا مال «مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» هست کلاً، چرا در این فضا این بحث دارد مطرح می‌شود؟ بحث درگیری اصلی مال غزه نیست. آدم باید بداند درگیری اصلی «مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» است، که در کرانه باختری اتفاق می‌افتد و در بحث ارض مقدس و هیکل سلیمان، آنجا درگیری اصلی اتفاق خواهد افتاد که آنجا باید آماده بود، که به مراتب از بحث غزه مهم‌تر است و اینجا «كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» است، یعنی وعده حتمی است دیگر این قضیه، که یک درگیری بین «عباداً لنا» با بنی اسرائیل در ارض مقدس انجام می‌شود که می‌شود کرانه باختری. اصل قصه مال کرانه باختری است. حالا من این را خدمتتان عرض کردم، به کسی هم نگویید این را، فقط من ضبط می‌کنم و پخش می‌شود دیگر.

«فَلَا يَدْعُونَ وَتَرَا لَآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتْلَهُ» کسی که سهمی از این ظلم داشته باشد نیست مگر اینکه می‌گیرند و می‌کشند این‌ها را. اینجا است که «وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» وعده خدا انجام می‌شود. یعنی چه؟ یعنی خروج القائم، قائم اینجا ظهور می‌کند. اگر خبری از کرانه باختری رفته‌رفته شنیدیم، حالا من این جمله آقا یادم نیست، اگر این جمله باشد که خیلی جمله تاکتیکی است، می‌خواهم بگویم از اخبار کرانه باختری غافل نشوید کلاً، اتفاقاتی که آنجا می‌خواهد بیفتد، چون که اصل قصه در کرانه باختری است نه در غزه. این‌ها می‌آیند «وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» و آن موقع خروج قائم اتفاق می‌افتد. خروج قائم که اتفاق می‌افتد «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ» اینجا است که خروج الحسین (ع) همراه با خروج قائم پس از مدتی یا همراه با آن «ثُمَّ» احتمالاً با یک فاصله‌ای یک کره دیگر دارد اتفاق می‌افتد همراه با آن و آن خروج امام حسین (ع) است، «فِي سَبْعِينَ مِنْ أَصْحَابِهِ» در ۷۰ نفر از اصحابشان «عليهم البيض المذهب ولكل بيضة وجهان» که مثلاً یک کلاه‌خودهای زرینی دارند و این‌ها «المؤدون إلى الناس أن هذا الحسين قد خرج حتى لا يشك المؤمنون فيه» وقتی که ایشان خروج می‌کنند یک جوری است که همه می‌فهمند ایشان امام حسین (ع) هستند که خروج کرده‌اند. این خیلی جالب است. نشنیده بودم این را. خیلی جالب است که کرانه باختری باید مسلح بشود. حالا من دارم نقطه بحث‌های دینی‌اش را عرض می‌کنم که چه اتفاق می‌افتد. حتماً حضرت آقا هم به این بحث‌ها شاید اشاره داشتند و لزومی ندیدند که خیلی با صراحت بگویند. دیگر وقتی که امام حسین (ع) خروج می‌کنند یک جوری است که همه

مؤمنین شک نمی‌کنند. می‌دانند که ایشان مثلاً دجال نیست که خروج کرده، امام حسین (ع) است. «والحجّه القائم بین أظهرهم» یک جوری است که هنوز حضرت حجت هستند، امام حسین (ع) خروج می‌کند در یک کُزه جدایی. «فإذا استقرت المعرفة في قلوب المؤمنين أنه الحسين» دیگر همه که مطمئن می‌شوند که الان کار افتاد دست امام حسین (ع) و ایشان امام حسین (ع) هستند «جاء الحجّه الموت» امام زمان (عج) می‌میرند «فیکون الذی یغسله ویکفنه و یحنطه ویلحده فی حفرة الحسين» آن کسی که در حقیقت حضرت را غسل و کفن می‌دهد و لحد می‌گذارد و دفن می‌کند، امام حسین (ع) است، یعنی امام حسین (ع) حضرت مهدی (عج) را دفن می‌کنند «ولا یلی الوصی إلا الوصی» و آنجاست که وصی متولی کار وصی می‌شود در حقیقت، یعنی به عبارتی وصی امام مهدی (عج) می‌شوند امام حسین (ع)، کار به دست امام حسین (ع) حل می‌شود، این را بدانید. خلاصه هر دری بسته بود جز در پر فیض حسین (ع).

این که یک موقع عرض کردیم چرا انقدر حضرت خودشان را «تسعة من ولد الحسين» معرفی می‌کنند؟ ایشان می‌روند می‌شوند «تسعة من ولد الحسين»، به خاطر اینکه امام حسین (ع) هستند که یک دور دیگر برمی‌گردند و کار جریان آخرالزمان این دنیا را امام حسین (ع) حل می‌کنند. حضرت مهدی (عج) می‌آیند، خروج در حقیقت حضرت عیسی (ع) می‌شود، مسیحیان می‌آیند و امام حسین (ع) در یک کُزه دیگری تشریف می‌آورند و آنجایی که معلوم می‌شود کار افتاد دست امام حسین (ع)، پایان تاریخ به دست امام حسین (ع) رقم می‌خورد، در همین جا منتها بعد از رجعت. اینجا این سناریوی که وجود دارد که انقدر شما اصرار دارید که بگویید «مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ» «مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ» ما به رجعت شما تصدیق می‌کنیم، به ایاب شما و برگشت شما ایمان داریم. و گفتند اگر کسی به رجعت ما اعتقاد نداشته باشد اصلاً از ایمان خالی است. معلوم است مسئله رجعت که رجعت در این دنیا است. که من از شواهد قرآنی خدمتان عرض کردم که ما رجعت‌های مختلفی در امم پیشین داشتیم. این رجعتی که به سمت همین دنیا هم انجام می‌شود، کسانی که محض ایمان‌اند، حالا «فتحصل مما ذکرنا» به چه درد امروز ما می‌خورد این بحث رجعت؟ باز دوباره عرض می‌کنم، باید به حالت محض قرار گرفت و وارد صحنه‌های محض شد. امروز هم که فهمیدیم که آخر کار این جوری است که با یک کُزه‌ای به دست امام حسین (ع) انجام می‌شود. طبیعتاً امام حسینی زندگی کردن و آماده بودن و «عِبَاداً لَنَا» بودن، «عِبَاداً لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ» یک همچنین چیزی که تا خانه‌های این‌ها راه پیدا خواهند کرد. این‌ها شرایط آخرالزمانی است.

بقیه‌اش بد است؟ نه بقیه‌اش «سائر الناس؟ یلهی عَنْهُمْ» است، یعنی دیگر اصلاً کاری به کار شما ندارند به عبارتی، و آن موقع وقتی که در وضعیت رجعت قرار بگیرید دیگر کلاً محض ایمان با محض کفر درگیر می‌شود و آخر هم به حساب محض ایمان و محض کفر می‌رسند. ما هم در باقالی‌ها هستیم دیگر، همینجوری هستیم، نخودی در دنیا. ولی آن چیزی که حال می‌دهد این است که انسان خودش را به محض ایمان نزدیک کند، خودش را آماده بکند برای درگیری در کرانه باختری و برای خروج قائم ان شاء الله.

نه این ۳۱۳ تا یارانی هستند که خروج با آن‌ها انجام می‌شود. «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ» یک کُزه دیگری وجود دارد که امام حسین (ع) وارد می‌شوند با یارانشان، و یکسری کلاً وارد می‌شوند، از محض ایمان‌ها وارد می‌شوند در مسئله رجعت. ان شاء الله که ما جزء آن‌ها باشیم. یا علی التماس دعا.